

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حمید محوی

اول جولای ۲۰۱۲

[تشابه اپوزیسیون ها]

تی یری میسان در مقاله ای تحت عنوان «دومین گردهمایی «دوستان» سوریه در استانبول : شکست طرح تعویض رژیم در سوریه» توضیح می دهد که : «این جریان منفی نشان می دهد که «دوستان» سوریه از تعویض رژیم قطع نظر کرده اند، و سرنوشت شورا دیگر به دست گرفتن قدرت در سوریه نیست، و از این پس عملکرد آن منحصر است به شرکت در اردوی تبلیغاتی علیه کشور خودشان.» (برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به آدرس زیر :

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/222>

سرنوشت به اصطلاح اپوزیسیون ایران نیز شباهت بسیار زیادی به اپوزیسیون به اصطلاح سوریه دارد ... با عبور از چشم انداز اعمال جنایتکارانه ای که با پشتیبانی غرب امپریالیستی در سوریه و علیه مردم سوریه انجام دادند - با شکست طرح براندازی و مسدود شدن راه دمشق از تهران می گذرد - اپوزیسیون های ایرانی نیز نقش مشابهی را به عهده خواهند داشت و باید علیه کشور خودشان فعالیت کنند، و فعلا به هر بهانه ای به حق و به ناحق در هر کوچه و برزن کشورهای به اصطلاح آزاد و دموکراتیک تظاهرات به پا می کنند.

من فکر می کنم تحت چنین شرایطی مبارزه اصیل اجتماعی و مبارزه طبقاتی در شرایط بسیار مشکلی قرار می گیرد، زیرا دائما در خطر بلعیده شدن توسط توطئه امپریالیستی و خیل سگ های نگهبان آن است که ما آنها را در رنگین کمان اپوزیسیون ایرانی و حقوق بشر و انواع و اقسام سازمان غیر دولتی و امور خیریه بدون مرز می توانیم بازشناسی کنیم

ما باید برای تشخیص مبارزه اصیل از پادوئی کردن برای طرح های جنایتکارانه امپریالیستی سنجه هائی در اختیار داشته باشیم

این سنجه ها کدام هستند؟

چه کسانی این پرسش را ضروری می دانند و چگونه به آن پاسخ می گویند؟ و به چه هدفی؟
کودکان خیابانی و کودکان کار؟ همه در این مورد متأسف هستند، ولی من ارتجاعی ترین نظریات و راهکارها را برای حل چنین مشکلاتی در نوشته جات اپوزیسیون به اصطلاح دموکراتیک پیدا کرده ام که می گفتند «بین این

کودکان، نابغه هائی وجود دارند که باید آنها را نجات داد...» متأسفانه سیاست امپریالیستی موجب شده است که طیف اپوزیسیون های خارج از کشور، تنها از مثنی اوباش تهی مغز و مطمئنا بیمار روانی انباشته شود در حالت فرضی، الان اگر من در ایران قدرت می داشتم از هر گونه تظاهرات خیابانی با تمام قوا ممانعت می کردم، مگر نه این که همین اپوزیسیون های خائن و مزدور از فرصت استفاده کردند و برای ارتقاء طرح گوآدالوپ ۲ در پاریس، و تداوم هرج و مرج پس از انتخابات ریاست جمهوری در ایران، ندا آقا سلطان و بسیاری دیگر را به قتل رساندند؟

مگر نه این که «امپریالیسم جمعی» در سوریه، از داخل جمع تظاهرات کنندگان به سوی پولیس و به سوی خود مردم تیراندازی کردند و موجب مرگ بسیاری از آنها شدند؟
نه دوستان متأسفانه کلماتی مثل «کارگر» «کودک» و «کار و بی کاری و عدالت اجتماعی و غیره» را نمی شود مثل سالاد چهار فصل با هر غذائی نوش جان کرد

این مسائل حتی در رابطه با احزاب پیشگام جنبش کمونیستی ایران نیز مطرح است که در برخی موارد برای سرنگونی و براندازی شعار می دهند، بی آن که حساب و کتابی در کارشان باشد، و از خودشان بپرسند که همین فردا اگر رژیم اسلامی در ایران سرنگون شود چه کسانی به قدرت خواهند رسید؟

متأسفانه شرایط به گونه ای است که پیشگامان ایران و نیروهای مترقی هیچ شانسی ندارند. صفر ولی با حذف طرح براندازی و نه در چیزی به نام جبهه مشترک خلق و اجتماعات بزرگ، و امبریگادمان جوانان، ولی در اشکال آزاد و باز ساختمان سوسیالیستی، آگاهی، راه کارهای ممکن و کاربست عینی آن چیزی نیست که بشود آن را از بیرون و یا از درون یک گروه حتی مترقی در جامعه ایرانی و یا هر جامعه دیگری ایجاد کرد. چیزی هست به نام رشد نیروهای مولد.

چنین مسائلی در چنین تظاهراتی که رفیق جهانگیر محبی دائما از آنها پشتیبانی می کند و ما را نیز از چگونگی آن مطلع می سازد، مطرح نمی گردد زیرا این اپوزیسیون مشخصا دشمن شماره یک رشد نیروهای مولد ما هستند

پاریس، گاهنامه هنر و مبارزه